



بررسی آینده پژوهانه حضور ناتو در خاورمیانه و محیط پیرامونی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*



دکتر سهیل سهیلی نجف آبادی** - دکتر الهام حسین خانی***
دکتر حامد عمومی****

چکیده

ناتو از جمله سازمان‌های بین‌المللی امنیت دسته‌جمعی و نظامی است. با فروپاشی شوروی، ناتو فلسفه وجودی خود را از دست داد، ولی بحران‌های بین‌المللی از جمله جنگ‌های خلیج فارس، بحران کوزوو و... موجب شد در سال ۱۹۹۷، رسماً هدف خود را ایجاد صلح و امنیت در جهان معرفی نماید و بر طبق آن به فرآیند گسترش خود به شرق بپردازد. جنگ‌های ۲۰۰۱ افغانستان و ۲۰۰۳ عراق، ناتو را علاوه بر ترکیه، در این مناطق نیز با ایران همسایه کرد، همچنین ناتو با دیگر همسایگان ایران شروع به همکاری گسترده نمود. حال، سوال اصلی پژوهش آن است که «با توجه به تثبیت حضور ناتو در شرق، سناریوهای قابل پیش‌بینی این حضور در محیط پیرامونی ایران پس از خروج آمریکا از برجام، برای امنیت ملی ایران چیست و رفتار ناتو طبق این سناریوها بستگی به چه عواملی دارد؟» روش بررسی پژوهش روش‌های تحلیلی و سناریونویسی است و اطلاعات به صورت اسنادی جمع‌آوری شده است. نتیجه کلی نیز نشان می‌دهد که با توجه به تعمیق حضور ناتو در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و این امر که آمریکا رهبری ناتو را بر عهده دارد، دارای روابط خصمانه با جمهوری اسلامی ایران است، سناریوهای قابل پیش‌بینی رفتار ناتو، طیفی از سناریوهای پرخطر، کم‌خطر و همکاری‌جویانه، می‌باشد و میزان تهدیدها و فرصت‌های این

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی آینده پژوهی حضور ناتو در خاورمیانه و محیط پیرامونی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم است که به این وسیله از این معاونت تقدیر و تشکر می‌گردد.

** نویسنده مسئول، عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران/ ایمیل:

soheil.soheily@iauoqeshm.ac.ir

*** دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات تهران-اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**** دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سناریوها برای امنیت ملی ایران، وابسته به راهبردهایی است که سیاست خارجی ایران در برابر آن اتخاذ می‌کند، یعنی اینکه رفتاری تهدیدآمیز از خود نشان دهد و یا رفتاری تنش‌زدا، به علاوه اینکه ایران تا چه حد توانایی دارد تا انواع قدرت‌های خود را تقویت کند، در رفتار آینده ناتو با ایران مؤثر می‌باشد.

کلیدواژگان

ناتو، ایران، مناطق پیرامونی، خاورمیانه، امنیت ملی، آینده‌پژوهی

مقدمه

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی که به اختصار با عنوان ناتو^۱ شناخته می‌شود، از جمله سازمان‌های بین‌المللی امنیت دسته‌جمعی و نظامی است که در جهان وجود دارد. این سازمان برای مقابله با شوروی به وجود آمد، اما با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، ناتو فلسفه وجودی خود را از دست داد، ولی بحران‌های بین‌المللی از جمله جنگ اول خلیج فارس، بحران کوزوو و... موجب شد تا در نهایت فلسفه وجودی جدیدی بیابد و در سال ۱۹۹۷، رسماً هدف خود را ایجاد صلح و امنیت در جهان معرفی نماید و بر طبق آن به فرآیند گسترش خود به سوی شرق سرعت بخشد. از آنجا که آمریکا رهبری ناتو را بر عهده دارد و روابط خصمانه با جمهوری اسلامی ایران دارد و از آنجا که ایران در منطقه راهبردی خاورمیانه قرار دارد که منابع انرژی عمده جهان را در خود دارد، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این منطقه مورد توجه آمریکا و ناتو قرار گرفت و آنها را در عراق و افغانستان با ایران همسایه کرد، به علاوه اینکه با دیگر همسایگان ایران شروع به همکاری گسترده نمود. تحریم‌های شورای امنیت به دلیل پرونده هسته‌ای ایران که حضور ناتو در همسایگی ایران را به یک عامل تهدید تبدیل کرده بود و در نهایت با توافق برجام این تهدید کاهش یافت و پس از آن، روی کار آمدن ترامپ که در رویکردی یکجانبه‌گرایانه، برخلاف متحدان خود، از برجام خارج شد و حتی نقش همکاری‌های بین‌المللی آمریکا از جمله در ناتو را نیز کمرنگ کرد، تحولات تازه‌ای است که بر حضور ناتو در پیرامون جمهوری اسلامی ایران اثرگذار است، با این حال همچنان حضور ناتو در مناطق شرقی مورد نفوذ آن، همچنان محسوس است. بر این اساس سوال اصلی پژوهش آن است که «با توجه به تثبیت حضور ناتو در شرق، سناریوهای قابل پیش‌بینی این حضور در محیط پیرامونی ایران پس از خروج آمریکا از برجام، برای امنیت ملی ایران چیست و رفتار ناتو طبق این سناریوها بستگی به چه عواملی دارد؟» در فرضیه پاسخ‌دهنده به این پرسش آمده است که «با توجه به تعمیق حضور ناتو در محیط

^۱ - North Atlantic Treaty Organisation (NATO)

پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، سناریوهای قابل پیش‌بینی رفتار ناتو در برابر کشور، طیفی از سناریوهای پرخطر، کم‌خطر و همکاری‌جویانه می‌باشد و میزان تهدیدها و فرصت‌های این سناریوها برای امنیت ملی ایران، وابسته به راهبردهایی است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر آن اتخاذ می‌کند، یعنی اینکه رفتاری تهدیدآمیز از خود نشان دهد و یا رفتاری تنش‌زدا، به علاوه اینکه ایران تا چه حد توانایی دارد تا انواع قدرت‌های خود را تقویت کند. در رفتار ناتو با ایران اثر خواهد داشت». روش تحقیق مقاله برای پاسخ به این پرسش، روش‌های توصیفی-تاریخی و تحلیلی است و از منظر آینده‌پژوهی از روش سناریونویسی بهره برده شده و اطلاعات مقاله نیز به صورت اسنادی جمع‌آوری شده است.

۱- پیشینه

میرکوشش و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله «تداوم نفوذ ناتو به رهبری آمریکا در افغانستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» (Mirkoushesh and et.al., 2019: 73-98) بیان داشته‌اند که ناتو پس از ۱۱ سپتامبر با حضور در طولانی‌ترین بحران سازمان در افغانستان، در خدمت هژمون جهانی آمریکا و تقویت جایگاه تک‌قطب یک‌جانبه‌گرا ایالات داشته است. آمریکا با فرصت‌سازی و بیشینه‌سازی قدرت و نفوذ خود در ناتو و با وارد کردن این نهاد در مدیریت بحران‌ها در پی تداوم دادن به پرستیژ برتری جهانی خود می‌باشد. بنابراین نویسندگان بر پایه نظریه ثبات هژمونیک در صدد پاسخ‌گویی به چرایی حضور و نفوذ ناتو و آمریکا در مدیریت بحران افغانستان و ارزیابی پیامدهای آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران هستند. در مقام نقد، قوت این مقاله در تمرکز آن بر حضور ناتو در افغانستان است به همان نسبت ضعف آن نادیده گرفتن حضور ناتو در بقیه مناطق پیرامونی ایران است که بر امنیت ملی این کشور اثر می‌گذارد. بنابراین مقاله حاضر در تلاش است تا این ضعف را به عنوان نوآوری برطرف نماید.

ذکی و غلامی (۱۳۹۶) در مقاله «قلمروسازی ژئوپلیتیکی ناتو در حوزه‌های ژئوپلیتیکی غرب جمهوری اسلامی ایران» (Zaki and Gholami, 2018: 9-44)، بیان می‌دارند که ناتو، طولانی‌ترین اتحادیه سیاسی و نظامی است که از سال ۱۹۴۹م. تاکنون در چندین مرحله ماموریت‌های خود را بازتعریف کرده است. در جدیدترین بازنگری، این سازمان با ارائه مفهوم امنیتی نوین برای دوّمین دهه از قرن ۲۱، تلاش کرده امنیت منطقه جغرافیایی آتلانتیک را در خارج از منطقه جستجو کند و از جمله در خاورمیانه حضور یافته است. در این راستا، شناسایی راهبردهای ناتو برای گسترش حضور فراجغرافیایی خود با تمرکز در مرزهای غربی ایران، هدف این مقاله است به ویژه اینکه ناتو چگونه در حال قلمروسازی در مناطق ژئوپلیتیکی غرب ایران است. به عنوان نقطه قوت، تمرکز این مقاله بر حوزه غرب ایران بسیار مفید بوده است، اما ضعف آن در آن است که به حوزه

همسایگان شرقی، شمالی و جنوبی ایران نپرداخته است که حضور ناتو در آنها هم بر امنیت ایران اثرگذار است، امری که توجه آن در مقاله حاضر به عنوان یکی از نوآوری‌ها به شمار می‌آید. احمدی و غلامی (۱۳۹۶) در مقاله «اسلام سیاسی؛ چالشی ژئوپلیتیکی در روابط ایران و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی» (Ahmadi and Gholami, 2017: 7-39)، نوشته‌اند «مشارکت فعال؛ دفاع مدرن»، آخرین مفهوم استراتژیک ناتو در حال حاضر است و این مقاله با بهره بردن از چارچوب نظری سندشناسی مفهوم نوین استراتژیک ناتو، در تلاش است رویکرد نوین ناتو برای دهه پیش رو نسبت به اسلام سیاسی، مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های مقاله نیز نشان می‌دهد که «رویکرد ژئوپلیتیکی ناتو به امنیت در ابعاد نظامی، سیاسی و اجتماعی در قالب تفکیک «خود» و «دیگری» نمایان شده و لذا اسلام سیاسی رشد یافته از انقلاب اسلامی به عنوان چالشی ژئوپلیتیکی، رقیب ایدئولوژیک برای حاکمیت ارزش‌های لیبرال ناتو در دهه پیش‌رو شناسایی شده است. نقطه قوت این اثر در بررسی محتوای آخرین سند مفهوم راهبردی ناتو است، نقطه ضعف آن نیز غلو در اهمیت موضوع اسلام سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی به عنوان چالش اصلی ناتو می‌باشد. نوآوری مقاله حاضر اما در این است که جمهوری اسلامی ایران را تنها یکی از چالش‌های عمده ناتو می‌داند، اما چالش مهم‌تر آن را روسیه و برآمدن چین می‌شناسد.

بزرگمهری و عباس‌پور (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی روابط اتحادیه اروپا و ناتو: چالش‌ها و فرصت‌های موجود» (Bozorgmehri and Abbaspour Baghabory, 2014: 662-643) کوشنده‌اند تا فرصت‌ها و چالش‌های موجود در روابط اتحادیه اروپا و ناتو و همچنین تأثیر این کنش‌ها در منافع ایران در منطقه و جهان را شرح دهند. این مقاله نیز در کل و در نقطه قوت خود، به شناسایی رفتار ناتو می‌پردازد و از آن می‌توان این بهره را برد که جمهوری اسلامی ایران با نزدیک شده به قدرت‌های اروپایی می‌تواند، امکان پیدایش سناریوهای پرخطر را در ارتباط میان ناتو و ایران کاهش دهد. نقطه ضعف مقاله نیز در این است که منابع آن، به تعداد کافی نبوده است و نویسندگان می‌توانستند از منابع بیشتری بهره ببرند. نوآوری مقاله حاضر نسبت به این اثر آن است که تلاش دارد تا به جز سناریو نزدیکی ایران به اتحادیه اروپا، به دیگر سناریوهای قابل پیش‌بینی را نیز بیابد.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

۲-۱- چارچوب مفهومی

پیش از ورود به بحث مبانی نظری، دو مفهوم نیاز به تعریف دارد. یکی امنیت^۱ و دیگری نظام

^۱. Security

امنیت دسته جمعی.^۱ دانشنامه ماریام‌وبستر، امنیت را «اقدامات برای محافظت در برابر حمله، جاسوسی، خرابکاری، جرم و جنایت» (Merriam-Webster, 2019: 1)، تعریف می‌کند. در تعریفی دیگر، «می‌توان امنیت را به صورت سلبی، نبود تهدید، به ویژه تهدید خارجی در حوزه‌های سیاسی اقتصادی، اجتماعی، غذایی و... دانست» (Erik Adkhanian and Khosravi, 2018: 37). زمانی که این مفهوم از امنیت برای یک کشور و در سطح ملی آن مورد توجه قرار گیرد، مفهوم امنیت ملی پدید می‌آید.

کشورها برای حفظ امنیت ملی خود و رهایی از تهدیدها در این سطح، راهبردهای مختلفی را به کار می‌گیرند، آنها در عین اینکه متکی به خود هستند، یا راهبرد ایجاد امنیت توسط خود را در یک رویکرد یکجانبه‌گرایانه، همچون ایران، و یا راهبرد اتحاد و ائتلاف با دیگران را در رویکردی چندجانبه‌گرایانه اتخاذ می‌نمایند. چنان که راهبرد دوم را برگزینند، می‌توانند وارد یک نظام امنیت دسته‌جمعی شوند. سازمان ناتو، یکی از چنین نظام‌هایی است. «نظام امنیت دسته جمعی بر اساس دو ساختار طبیعی استوار شده است: نخست، انجام یک اقدام مؤثر، همسو و هماهنگ توسط کل سازمان در قبال تهدیدکننده بیرونی و دوم، به کارگیری مفهوم همه اعضا بر ضد یکی (دشمن بیرونی) و همه برای یکی (عضو داخلی مورد تهدید)، در چارچوب سازمان برای حفظ امنیت و صلح» (Lopez-Jacoiste, 2010: 275). نظام امنیت دسته جمعی، به میزان زیادی همکاری نیاز دارد که اعتماد را میان اعضای سازمان افزایش داده و به همگرایی آنها می‌انجامد. این موارد، پیامدهای گاه ناخواسته ایجاد چنینی نظام است. با این حال، این نوع نظام‌ها از آنجا که از قدرت‌های هم‌سطح تشکیل نشده‌اند، در عمل، تبدیل به خواست قدرت‌های برتر عضو در آنها برای حرف‌شنوی دیگر اعضا شده و چنان که قدرت یا قدرت‌های برتر آن، رویکردی یکجانبه‌گرایانه را به جای رویکرد چندجانبه‌گرایانه احترام به اکثریت آراء، اجماع و... را در پیش گیرند، به ضعف کلیت نظام منتهی خواهد شد.

۲-۱- مبانی نظری: واقع‌گرایی تدافعی

پس از بررسی مبانی مفهومی، مقاله نیازمند یک مبانی نظری نیز هست. برای این مقاله مبانی نظری واقع‌گرایی تدافعی،^۳ مدنظر قرار گرفته است، چرا که بیشتر ناتو به عنوان یک تهدید برای جمهوری اسلامی ایران ظاهر شده که موازنه تهدید^۴ را در منطقه ایجاد کرده است. در این چارچوب، ناتو تمایل داشته تا در فرآیند گسترش خود به شرق، امنیت غرب به ویژه آمریکا را

^۱. Collective Security System

^۲. National Security

^۳. Defensive Realism

^۴. Balance of Threat

افزایش دهد و یکی از این وضعیت‌ها به طور دقیق در مورد تهدیدی است که آمریکا و ناتو که رهبری آن با این کشور است، برای ایران داشته‌اند. به عبارت دیگر، ناتو همواره به علاوه یک ابزار تهدید ساختاری برای ایران ظاهر شده، تا اینکه در عمل به مقابله با ایران به صورت مستقیم برخیزد. به این جهت، نظریه واقع‌گرایی تدافعی به نوبه موازنه تهدید استفان والت^۱ در آن می‌تواند، به عنوان مبانی نظری این مقاله کاربرد داشته باشد. این نظریه، زیرمجموعه‌ای از نوواقع‌گرایی است که رویکردی ساختاری به روابط بین‌الملل می‌باشد.

کنت والتز،^۲ نوواقع‌گرایی^۳ را به این جهت بر پایه واقع‌گرایی^۴ پدید آورد. از دید کوهن، «تلقی سیاست بین‌الملل چونان نظامی با ساختاری دقیقاً معین، نقطه جدایی اساسی میان نوواقع‌گرایی از واقع‌گرایی سنتی است» (Keohane, 1986: 191). کنت والتز در تعریف مفهوم ساختار بیان می‌دارد که «نخست اینکه نظام بین‌المللی مبتنی بر هرج و مرج است و هیچ دولت جهانی وجود ندارد؛ دوم، نظام بین‌المللی مرکب از واحدهای همسان است. بنابراین نظام بین‌المللی آنارشستی ترکیبی از دولت‌هاست که تنها در ارتباط با قدرتشان با یکدیگر تفاوت دارند. برابر با نظر والتز احتمالاً آنارشسیسم قابل تحمل است چرا که دولت‌ها می‌خواهند استقلالشان را حفظ کنند» (Sorenson and Jackson, 2012: 74). از نظر والتز، در ساختار نظام بین‌المللی این قدرت است که عامل ایجاد نظم است و به قدرت از منظر موازنه قوا می‌نگرد و در بررسی موازنه قدرت هم، توجه به چگونگی توزیع قدرت را در میان قدرت‌های بزرگ در اولویت قرار می‌دهد. از منظر نوواقع‌گرایی، دولت‌ها بازیگران اصلی و عقلانی سیاست بین‌الملل هستند و راهبردهایی را انتخاب می‌کنند که منافع آنها را افزایش دهد. دولت‌ها، دیگر دولت‌ها را دشمنان بالقوه و تهدیدی برای منافع ملی خود می‌دانند و این بی‌اعتماد و ترس، تنگناهای امنیتی را ایجاد می‌کند» (Lemmy, 2004: 421). بنابراین، اساسی‌ترین موضوع مورد علاقه دولت‌ها امنیت و بقا است. برای به‌دست آوردن امنیت، «التز، با توجه به موازنه تهاجم-تدافع،^۵ برای دولت‌ها، میزان مناسب قدرت را مد نظر قرار می‌دهد» (Monavari and Mohammad Sharifi, 2017: 182) و این میزان، تلاش دارد یک دولت-ملت را از تهدیدهای جدی توسط دیگر بازیگران مصون نگه دارد.

اهمیت دادن به امنیت توسط دولت‌ها، با توجهی که نوواقع‌گرایی به موازنه قوا در شکلی ساختاری دارد، موجب شده است تا استفان والت، در واقع‌گرایی تدافعی، موازنه تهدید را پدید

¹. Stephen Wlat

². Kenneth Waltz

³. Neo-Realism

⁴. Realism

⁵. Offence-Defence Balance

آورد. در نگاه «واقع‌گرایان تدافعی، امنیت به وفور یافت می‌شود. قدرت‌های بزرگ با حفظ توازن قدرت موجود از طریق راهبردهای دفاعی، بیشتر به دنبال به حداکثر رساندن امنیت خود هستند. آنها باور دارند که نظام بین‌الملل، کشورها را تشویق می‌کند برای اطمینان از بقا و امنیت خود، رفتارهای میانه‌روانه و مهارکننده را دنبال کنند» (Lobell, 2017: 1) و در این چارچوب است که والت به جای موازنه قوا، بر موازنه تهدید تأکید می‌کند. از نظر والت «تنها صرف قدرت مهم نیست، بلکه سایر عوامل هم مهم هستند. از نظر والت، برداشت‌های دولت‌ها از یکدیگر مهم است. است هرچه دولتی تجاوزکار تر باشد، احتمال اینکه دولت‌های دیگر علیه آن موازنه سازی را در پیش گیرند، بیشتر است. دولت‌ها در برابر هر قدرتی موازنه ایجاد نمی‌کنند، بلکه موازنه در برابر دولت‌های صورت می‌گیرد که قدرت آنها از منظر دولت ایجادکننده موازنه، تهدید کننده باشد. در این رویکرد، موازنه دولتها در برابر قدرت‌های تهدیدگر، قاعده اصلی رفتار آنها در سیاست خارجی است» (Amir Ahmadian and et.al., 2016: 22).

از دید والت، «سیاستگذاران در برابر دولت‌هایی که بزرگترین تهدید را نشان می‌دهند، دست به برقراری موازنه می‌زنند؛ خواه این دولتها در زمره قدرتمندترین دولت‌ها باشند یا نباشند. در این جا تهدیدات عینی و مشخص نبوده، بلکه به این دلیل که آنها در برگیرنده تمایلات تهاجمی هستند، از آنها تلقی توانمندی صورت می‌گیرد. اگرچه واقع‌گرایی ساختاری والت را خلاصه کردن ویژگی‌های دولت‌ها در مقوله توانمندی و بی‌توجهی به ویژگی‌های داخلی، قدرت تبیینی خود را از دست می‌دهد، والت برای حل این مشکل، مفهوم موازنه تهدید را جایگزین مفهوم موازنه قدرت ناشی از توانمندی‌ها می‌کند» (Monavari and Mohammad Sharifi, 2017: 182). در در رویکرد موازنه تهدید، به نظر والت، «افزون بر عنصر قدرت، همراه شدن مولفه‌های دیگری مانند همسایگی، قابلیت‌های تهاجمی و نیت در موازنه، نقش اساسی دارند. این عوامل متغیرهای مستقلى هستند که تغییر در هر یک، دیگر دولتها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و به کار گرفتن اقدام‌های موازنه می‌کشاند و دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که بیشترین تهدید را ایجاد می‌کنند متحد می‌شوند» (Walt, 1985: 5-13).

بنابراین، دولت‌ها، به ویژه قدرت‌های بزرگ گاه برای ایجاد امنیت و حفظ توازن گاه از همکاری در چارچوب پیمان‌های دسته جمعی نیز بهره می‌برند، که نوعی اتحاد به شمار می‌آید. از جمله ناتو، به عنوان یک جامعه امن، دارای چنین کارکرد امنیتی برای غرب، به ویژه آمریکا است که پس از انقلاب اسلامی در دشمنی با جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. ناتو این توان را دارد تا از طریق همکاران و پایگاه‌های خود در گرداگرد ایران، موازنه تهدید را برای این کشور، پدید آورد.

۳- تاریخچه ناتو: از پیدایش تا گسترش به شرق

ناتو، در سال ۱۹۴۹ به وجود آمد. این سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی را ایالات متحده آمریکا به همراهی کشورهای غربی بیشتر اروپایی به وجود آورد. هدف ناتو یا به عبارت دیگر فلسفه وجودی آن، مقابله با شوروی و هم‌پیمانان آن در طول جنگ سرد^۱ بوده است. «بعد از جنگ جهانی دوم، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با سه هدف؛ دور نگه داشتن روسیه از اروپا، رصد آلمان و پوشش امنیتی اروپا توسط آمریکا به وجود آمد. ناتو این مأموریت خود را با موفقیت انجام داد؛ ... اگرچه شوروی برای مقابله با ناتو، پیمان نظامی ورشو را با متحدان خود در اروپای شرقی تشکیل داد» (Soleimani, 2020: 1). اما پس از جنگ سرد^۲ و فروپاشی شوروی و فروپیزی ورشو در ۱۹۹۱، فلسفه وجودی این سازمان دارای چالش شد و بنابراین ناتو، هدف تازه‌ای را برای خود تعریف می‌کرد. چنانکه جیمی شی، معاون دستیار دبیرکل روابط خارجی و سخنگوی ناتو، در نوامبر ۲۰۰۳ بیان می‌کند: «پس از ۱۹۸۹، البته بلافاصله این سوال در ذهن همه بود: آیا ناتو با وجود سابقه بسیار چشمگیر، زنده می‌ماند؟ چرا باید زنده بماند، به‌ویژه به‌عنوان همتای خود، پیمان ورشو^۳ در زمستان ۱۹۹۰ و بهار ۱۹۹۱ از هم پاشید. اگر پیمان ورشو وجود ندارد، چه نیازی به همتایی در غرب است؟ [او خود پاسخ می‌دهد]: اما اختلافات اساسی بین ناتو و پیمان ورشو وجود داشت که از همان ابتدا وجود داشت. پیمان ورشو اتحادی اجباری بود که مبتنی بر حاکمیت محدود اعضای آن بود، ... ناتو یک اتحاد آزاد بود. هیچ کس مجبور به پیوستن نشده است. ... پس از پیروزی ناتو در آن مسابقه جنگ سرد، اعضا دیگر به هیچ‌روی، به عقب نگاه نکردند» (Shea, 2016: 1)، به این معنا که نگاه به آینده داشتند. این نگاه به آینده در فلسفه جدید وجود ناتو در قالب «حفظ امنیت و مقابله با تروریسم در سطح جهانی» (Behnke, 2013: 16)، بروز یافت که همچنان نیز با فراز و نشیب ادامه دارد.

۴- حضور ناتو در مناطق پیرامونی ایران و امنیت ملی جمهوری اسلامی

در بخش نخست به حضور ناتو در مناطق پیرامونی ایران و تهدیدات ناشی از آن پرداخته شده و در بخش دوم، سناریوهای پیش‌رو برای امنیت ملی ایران ناشی از این حضور توجه شده است.

۴-۱- حضور ناتو در مناطق پیرامونی ایران

با توجه به آنچه در مورد تاریخچه ناتو بیان شد، می‌توان پی برد که ناتو یک جامعه امن سخت‌پیوند است، زیرا در آن، همکاری‌ها تنها سطوح نظامی را شامل نمی‌شود و انواع

¹. Cold War

². Post Cold War

³. Warsaw Pact

همکاری‌های دیگر نیز میان اعضای آن به صورت‌های دوجانبه و چندجانبه در جریان است. «همگرایی منطقه‌ای در پیوند با مسأله امنیت، می‌تواند به جامعه امنی تبدیل شود که در آن کشورها با یکدیگر همکاری کرده و به اعتماد زیادی دارند. به نظر کارل دویچ، یک جامعه امن، جامعه‌ای است که بین اعضای آن هرگز نبرد فیزیکی روی نمی‌دهد، بلکه آنها مناقشات خود را به روش‌های دیگری حل و فصل می‌کنند» (Bellamy, 2004: 20). باید توجه نمود، چنانکه این جامعه امن، در برابر تهدید یک کشور دیگر در منطقه به وجود آید، کشورهایی که بر ضد دیگری متحد شده‌اند، هدفی جز امنیت‌یابی ملی را دنبال نمی‌کنند، بنابراین در پی موازنه خواهند رفت. حال هر چه میزان تهدید میان کشورهای همگرا و کشور یا گروه کشورهای دیگر، بیشتر باشد، رقابت بیشتر شده و موازنه قوا به سوی موازنه تهدید تمایل پیدا می‌کند. حضور ناتو در مناطق پیرامونی ایران، می‌تواند به عنوان موازنه تهدید به شمار آید، که از جمله مسائل مطرح شده توسط استفان والت در نواقعی تدافعی است و تا قبل از امضای توافقنامه برجام می‌توان، آن را دارای اهمیت دانست. اما چنانچه ناتو علیه ایران در شرایطی فعال شود، این موازنه تهدید، می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با خطر روبه‌رو سازد و در زیرمجموعه نواقعی گرای تهاجمی میرشایمر قرار گیرد.

در حقیقت، «مفهوم راهبردی جدید، کارویژه جدیدی برای ناتو طرح کرد و ظهور بحران‌های جدید در اروپای شرقی، بحث مدیریت بحران را در سرلوحه اهداف ناتو قرار داد. ... در اجلاس سران ۱۹۹۷، در مادرید، بار دیگر بر مفهوم راهبردی جدید تأکید شد ... در ۱۹۹۹ نیز سران ناتو در پنجاهمین سالگرد تشکیل آن، مفهوم راهبردی جدید این سازمان را به تصویب خود رساندند» (Moradi, 2001: 1) و از منظر عملکردی، مفهوم راهبردی جدید، حضور ناتو در عملیات حفظ صلح بوسنی و سپس شرکت در عملیات در کوزوو، به شکل گسترش به شرق، خود را نمایان ساخت و کشورهای لهستان، چک و مجارستان به آن پیوستند. امری که همچنان ادامه یافت و خود را در شکل ایجاد شورای مشترک دائمی روسیه- ناتو، ایجاد شورای همکاری اروپا- آتلانتیک، گسترش طرح مشارکت برای صلح و تعمیق و گسترش گفتگوهای مدیترانه‌ای خود را نشان داد.

فرآیند گسترش به شرق ناتو، این سازمان امنیت دسته‌جمعی را به مرزهای ایران نزدیک‌تر کرد. اگرچه از سال ۱۹۵۲، این سازمان با ایران از طریق ترکیه همسایه بود، اما این همسایگی تا قبل از انقلاب ۱۹۷۹، که ایران متحد غرب، به‌ویژه آمریکا به شمار می‌آمد و حتی پس از آن تا سال ۲۰۰۱، خطری جدی محسوب نمی‌شد و تهدید مهمی علیه جمهوری اسلامی ایران به‌شمار نمی‌آمد و کمینه اینکه، این تهدید را تا آن زمان می‌توان در زمره کلیت تهدیدی که آمریکا برای

^۱. Balance of Threat

ایران داشت، به‌شمار آورد. تهدیدی که حضور آمریکا در خلیج فارس، بسیار بیش از آن برای ایران بود.

در واقع، «این واقعیت انکارناپذیر است که همسایگی ایران با ناتو از طریق ترکیه و در قالب پیمان سنتو نیم قرن قدمت دارد. اما حضور ناتو در افغانستان و عراق و نیز در کشورهای آسیای مرکزی در فرآیند گسترش به شرق» (Almasi and Ezzati, 2010: 3) و نیز در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در چارچوب همکاری برای صلح، دارای اهمیت به‌سزایی برای جمهوری اسلامی ایران از منظر امنیتی است.

این وضعیت حضور، در مناطق پیرامونی ایران، از سال ۲۰۱۱ شروع به افزایش کرد. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تحول دیگری برای ناتو ایجاد کرده و مقابله آن با تروریسم را پررنگ ساخت. از آنجا که «مفهوم استراتژیک ۱۹۹۹، تروریسم را به عنوان یکی از خطرات تأثیرگذار بر امنیت ناتو شناسایی کرده بود، پاسخ ات به ۱۱ سپتامبر، ناتو را درگیر مبارزه با تروریسم کرد. به طوری که نخستین عملیات خود را در خارج از منطقه یورو-آتلانتیک آغاز نمود و تحول گسترده‌ای را در توانایی‌های خود را آغاز کرد. علاوه بر این، باعث شد ناتو برای اولین بار، به ماده ۵ پیمان واشنگتن استناد کند» (NATO Official Site, 2019A: 1).

از جمله تحولات در این راستا، همکاری با ایالات متحده در حمله به افغانستان و انجام مأموریت در قالب نیروهای ایساف، توسط ناتو بوده است که از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ به طول انجامید. ناتو در قالب ایساف در ۲۰۰۳، فرماندهی بین‌المللی نیروهای کمک به امنیت افغانستان را برعهده گرفت. ... نیرویی که در اوج خود شامل ۱۳۰ هزار نفر از ۵۱ کشور می‌شد» (NATO Official Site, 2015: 1). که نخست امنیت کابل را برعهده گرفت و سپس بر طبق قطعنامه ۱۵۱۰ شورای امنیت، «مأموریت ایساف به کل افغانستان گسترش یافت» (United Nations Security Council, 2003: 1). به این ترتیب، دیده می‌شود در مورد افغانستان، نیروهای ناتو، تجربه گسترش مأموریت خود را برای انجام مأموریت و حفظ امنیت در کل یک کشور دارند.

ایساف در سال ۲۰۱۴ مأموریت خود در افغانستان را پایان داد و بخش بزرگی از نیروهای آن، همراه نیروهای آمریکا از افغانستان خارج شدند، اما «یک مأموریت غیررزمی کوچک پشتیبانی قاطع، برای آموزش، مشاوره و کمک بیشتر به نیروهای و نهادهای امنیتی افغانستان را از ژانویه ۲۰۱۵، آغاز کرد» (NATO Official Site, 2015: 1) که تا حال حاضر نیز ادامه یافته است. به این ترتیب، بخشی از نیروهای ناتو، هر چند اندک در افغانستان همچنان حضور دارند، یعنی در مرزهای شرقی ایران دارای پایگاه هستند و در صورت لزوم، از این پایگاه‌ها، می‌توانند علیه ایران

¹. International Security Assistance Force (ISAF)

بهره برند و نیروهای خود را به سرعت افزایش دهند یا از حریم هوایی افغانستان علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند. حتی «پاکستان نیز در جنوب غربی ایران، از جمله همکاران ناتو در سطح جهانی به شمار می‌آید» (Nato Official Site, 2020B: 1)، که این به معنای حضور دیگر ناتو در پیرامون ایران است.

در تحولی دیگر، ناتو با آمریکا در حمله به عراق در ۲۰۰۳، همراه شد و «در عراق، مأموریت آموزشی نیروهای نظامی عراقی را بر عهده داشت. از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱، ناتو یک عملیات پشتیبانی کوچک، اما مهم، در عراق انجام داد که شامل آموزش، راهنمایی و کمک به نیروهای امنیتی عراق بود. این مأموریت، بخشی از تلاش‌های بین‌المللی برای کمک به عراق در ایجاد نیروهای امنیتی موثر و پاسخگو بود. در این چارچوب، همه کشورهای عضو ناتو از طریق کمک‌های مالی یا کمک به تهیه تجهیزات آموزشی در داخل یا خارج از عراق کمک کردند. به موازات و تقویت این ابتکار، ناتو همچنین با دولت عراق بر روی یک چارچوب همکاری ساختار یافته برای توسعه روابط بلند مدت اتحاد با عراق همکاری کرد» (NATO Official Site, 2020A: 1).

در مورد عراق، اگرچه نیروهای ناتو پس از اینکه باراک اوباما تصمیم گرفت نیروهای این کشور را از عراق خارج نماید و تعداد زیادی از آنها را نیز تا ۲۰۱۴ خارج ساخت، نیز از عراق خارج شدند، اما چنانچه در تارنمای رسمی این سازمان نیز آمده است و حضور ناتو در عراق از همان ابتدا بلندمدت برنامه‌ریزی شده بود، «در اکتبر ۲۰۱۸، به درخواست دولت عراق، ناتو موافقت کرد مأموریت مشاوره، تقویت آموزش و ظرفیت‌سازی نیروهای نظامی را به افزایش توان عراق برای جلوگیری از بازگشت داعش را به انجام رساند» (NATO Official Site, 2020A: 1) که این امر را باید در چارچوب ادامه حضور ناتو در عراق به شمار آورد. این «تلاش‌های دنبال شده توسط ناتو، مکمل و با سایر سازمان‌های بین‌المللی مرتبط مانند اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد یا ائتلاف جهانی برای شکست داعش (ناتو عضو این ائتلاف است) هماهنگ است. ... فعالیت‌های آموزشی در دو منطقه بغداد و تاجی انجام می‌شود. فعالیت‌های مشاوره‌ای نیز تنها در بغداد، از جمله در وزارت دفاع عراق، دفتر مشاور امنیت ملی و سایر نهادهای امنیت ملی این کشور صورت می‌گیرد» (Romania's Permanent Delegation to NATO, 2020: 1).

این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که ناتو در قلب نهادهای امنیتی و اطلاعاتی عراق حضور دارد و بنابراین بر این کشور سطیره اطلاعاتی گسترده‌ای نیز دارد، به ویژه اینکه باید توجه کرد، نخست‌وزیر عراق، مصطفی الکاظمی، که پس از حادثه ترور سردار قاسم سلیمانی به دست نیروهای آمریکایی در ۷ مه ۲۰۲۰ به قدرت رسید، از ۲۰۱۶ سرپرست سرویس اطلاعات ملی عراق بود و بدون موافقت چنین نهادی، در سال ۲۰۱۸، دولت عراق از ناتو برای ادامه مأموریت خود در این کشور تقاضا نمی‌کرده است. با کاهش تدریجی نیروهای آمریکایی در عراق، به نظر

می‌رسد که ناتو قصد دارد، نیروهای نظامی خود را در این کشور افزایش دهد، به طوری که «جنس استولتنبرگ» در پایان جلسه ۱۵ فوریه ۲۰۱۸ گفت اعضا قصد دارند حضور خود در عراق را افزایش دهند» (Stoltenberg, 2018: 1).

علاوه بر حضور در افغانستان در شرق و عراق در غرب، که مناطق پیرامون ایران به شمار می‌آیند، ناتو در جنوب ایران و در منطقه خلیج فارس نیز حضور دارد و در حال همکاری با کشورهای همسایه ایران نیز می‌باشد. سازمان «ناتو و کشورهای امارات، قطر، بحرین و کویت در چارچوب ابتکار همکاری استانبول این همکاری‌ها را دارند: مقابله با تروریسم؛ مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی؛ همکاری در امور امنیت مرزی؛ مقابله با شرایط اضطراری؛ آموزش‌های نظامی و امنیتی؛ شرکت در تمرین‌های ناتو؛ دریافت کمک‌های فنی برای انجام اصلاحات در سیستم‌های نظامی؛ هماهنگ‌سازی سیستم‌ها و تجهیزات نظامی موجود تمامی این پایگاه‌ها. این همکاری در راستای سیاست‌های نظامی کشورهای عربی در گرفتن حمایت از قدرت‌های بزرگ است. این موارد، به ویژه در دوره تحریم‌های برنامه هسته‌ای و همچنین امروز در دوره تحریم‌های یکجانبه آمریکا، امنیت ملی ایران را تهدید کرده و می‌کند» (Soheili and et.al, 2019: 169).

جدول نیروهای کشورهای عضو ناتو در منطقه پیرامون ایران در منطقه خلیج فارس

ناتو و اعضا	کشور	پایگاه کشور عضو ناتو	توان نظامی پایگاه کشور عضو ناتو در کشور پیرامونی ایران در خلیج فارس
ناتو	امارات، قطر، بحرین و کویت	چندین پایگاه در کشورهای نام‌برده، تأسیس مقرر مانده‌ی در کویت از ۲۰۱۸	توان نظامی این پایگاه‌ها نامشخص است، اما این کشورها همکاران ناتو در چارچوب ابتکار همکاری استانبول از سال ۲۰۰۴ هستند.
	بحرین	میزبان ناوگان پنجم دریایی آمریکا، پایگاه هوایی شیخ عیسی	۷۰۰۰ نظامی، هواپیماهای جنگنده و نظارتی، مرکز عملیات نیروهای ویژه آمریکا
آمریکا	عراق	تعدادی پایگاه از جمله عین‌الاسد	پایگاه موشکی عین‌الاسد، ۵۰۰۰ نظامی پس از جنگ با داعش در عراق هستند.
	کویت	دو پایگاه هوایی، فرودگاه بین‌المللی کویت و یک پایگاه دریایی	۱۳۰۰۰ نظامی، مقر پیشروی ارتش آمریکا، فرودگاه بین‌المللی کویت ه بزرگترین نقطه تدارکات هوایی منطقه‌ای ارتش آمریکا که ۲۲۰۰۰ وسیله نقطه ضد مین در آن مستقر است
	عمان	پایگاه‌های بندری تدارکاتی	چند صد نفر نظامی، انبار مهمات آمریکا در منطقه، دسترسی نیروی دریایی آمریکا به بنادر، توافق گذر هواپیماهای آمریکا بر فراز کشور

¹. Jens Stoltenberg

محل استقرار دفتر مرکزی فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا، بمب افکن‌های B-52 با توانایی هسته‌ای	پایگاه هوایی الودید	قطر	
۵۰۰۰ نظامی، بندر جبل علی بزرگترین بندر تماس نیروی دریایی آمریکا در خارج آمریکا، هواپیماهای بدون سرنشین و هواپیماهای جنگی پیشرفته F-35 در پایگاه هوایی الظفره	پایگاه دریایی بندر جبل علی، پایگاه هوایی الظفره ابوظبی، پایگاه دریایی فجیره	امارات	
بازگشت ۵۰۰ نظامی، هواپیماهای جنگنده، موشک‌های دفاع هوایی آمریکا در تابستان ۲۰۱۹ به عربستان	پایگاه هوایی شاهزاده سلطان ریاض و چند پایگاه دیگر در مرز عربستان و یمن	عربستان	
نامشخص، این پایگاه در سال ۲۰۱۸ افتتاح شده	یک پایگاه نظامی	بحرین	انگلیس
نامشخص	توافق برای ایجاد پایگاه دریایی	عمان	
۷۵۰ سرباز فرانسوی در الظفره، حمایت فنی و آموزشی از نیروی نظامی امارات، فرانسه در حال تقویت نظامی در اقیانوس هند در نزدیکی دریای عمان	پایگاه دریایی در بندر ابوظبی، پایگاه هوایی در پایگاه الظفره	امارات	فرانسه
۳۰۰۰ نظامی، تعدادی دستگاه زره‌پوش و ادوات نظامی دیگر	پایگاه طارق بن زیاد در نزدیکی دوحه	قطر	ترکیه

Sources: (Associated Press, 2019: 1) & (Soltani and et.al, 2020: 106-107) & (Aras and Akpınar, 2017: 4)

با توجه به جدول بالا و شواهدی که بیان شد، از آنجا که «دولت ترامپ ناخرسندی از حضور در خاورمیانه و وابستگی نداشتن به انرژی خاورمیانه را اعلام کرده است و توجیهی از منظر انرژی برای حضور در خاورمیانه ندارد، ... اروپا درصدد جایگزین کردن ناتو به جای آمریکا در خاورمیانه است» (Soleimani, 2020: 1). اگرچه برای آمریکا هنوز مسائل امنیتی در خاورمیانه همچون برنامه هسته‌ای ایران، وجود تروریسم، امنیت اسرائیل و... دارای اهمیت است، اما اروپا با درک کم‌رنگ شدن وابستگی آمریکا به انرژی خاورمیانه، پس از افزایش تولید نفت شن در آمریکا و تبدیل شدن این کشور به بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان، متوجه کمتر شدن علاقه‌مندی آمریکا به خاورمیانه و علاقه‌مندی بیشتر آن به نگه‌داشتن جایگاه نخست خود در جهان در مقابله با چین شده است که تا یک دهه آینده، در ۲۰۳۰، از نظر اقتصادی می‌تواند از آمریکا پیشی گیرد، چنانچه روند اقتصادی بیست ساله گذشته هر دو کشور با همان وضعیت تداوم یابد. در این راستا، تقویت حضور نظامی فرانسه در منطقه اقیانوس هند و نیز در خلیج فارس، یکی از زمینه‌های مهمی است که می‌توان به آن توجه کرد.

حضور ناتو در مناطق پیرامونی ایران به شرق، جنوب و غرب این کشور ختم نمی‌شود، بلکه ناتو در فرآیند گسترش به شرق خود، در مناطق شمالی ایران نیز حضور دارد و با برخی کشورهای

همسایه شمالی ایران دارای روابط همکاری است. به طوری که «کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در قفقاز جنوبی و کشورهای ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان در آسیانه میانه، در شورای همکاری یورو-آتلانتیک ناتو حضور دارند» (Nato Official Site, 2020B: 1). در زیر نقشه‌هایی ارائه می‌شود که نشان می‌دهد ناتو چگونه در پیرامون جمهوری اسلامی ایران حضور دارد و از این حضور می‌تواند برای ایجاد موازنه تهدید بهره برد. بر اساس نقشه زیر، به نظر می‌رسد، جمهوری اسلامی ایران در محاصر همکاران و اعضای ناتو است که این امر یک تهدید بالقوه برای این کشور به شمار می‌رود و ناتو از این حضور می‌تواند برای ایجاد موازنه تهدید علیخ ایران استفاده کند.

نقشه ۱- حضور همکاران و اعضای ناتو در مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران



Map 1- Presence of NATO Partners and Members in the Surrounding Areas of the I.R. of Iran

Source: (NATO Official Site, 2020C: 1)

۴-۲- سناریوهای آینده حضور ناتو در مناطق پیرامونی ایران و امنیت ملی ج.ا.ا.

با توجه به آنچه بیان شد، «پس از ۲۰۰۱، حضور ناتو در مناطق پیرامون ایران موجب شده سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی سازمان ناتو، به عنوان یک پیمان امنیت دسته‌جمعی از اهمیت ویژه‌ای در تصمیم‌گیری‌های دفاعی ایران برخوردار شود» (Almasi and Ezzati, 2010: 3). به ویژه اینکه ناتو در سال ۲۰۱۰، راهبرد نوین خود را در نشست لیسبون ارائه داد و در طول دهه ۲۰۱۰ و با

¹. Euro-Atlantic Partnership Council (EAPC)

ورود به دهه ۲۰۲۰، همچنان بر اساس آن به اقدام پرداخته است. طبق این راهبرد، در مفهوم نوین راهبردی، ناتو ضمن پذیرش خلع سلاح، اعلام کرده که تا ادامه موجودیت تسلیحات هسته‌ای، به عنوان یک پیمان هسته‌ای باقی خواهد ماند. در سند مورد بحث، از اتحادیه اروپا و سازمان ملل به عنوان شرکای بین‌المللی نام برده شده اما در این بین بر روابط دفاعی ناتو با اتحادیه اروپا تأکید گردیده است. نقشه راه جدید، به نیروهای این اتحادیه اجازه می‌دهد فراتر از مرزهای اروپا عمل کنند و با تهدیدهای تروریستی، قاچاق مواد مخدر، دزدان دریایی و حملات اینترنتی مقابله نمایند. ناتو در چهارچوب مفهوم جدید اعلام کرده که نه تنها مجموعه راهبردها و تدابیر امنیتی قبلی خود را زمین نمی‌گذارد بلکه نیاز به همکاری بیشتر حتی با کشورهای غیر عضو در این سازمان برای مقابله با تهدیدهای جدید دارد» (Haghpanah and Ahmai, 2010: 1).

پس از این اجلاس، تحولات زیادی در مورد امنیت ملی ایران پدید آمده است. ایران به جهت برنامه هسته‌ای خود از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ مورد تحریم‌های شدید بین‌المللی و آمریکا قرار گرفت که فشارها و تهدیدات بسیاری را از جانب غرب، که ناتو هم بخشی از توان آن به شمار می‌آید، روبه‌رو شد. این وضعیت در نهایت به امضای برجام^۱ انجامید که از فشارها و تحریم‌ها کاست. اما سپس با روی کار آمدن دونالد ترامپ^۲ در آمریکا، وی در سال ۲۰۱۸، از برجام خارج شد و تحریم‌های یکجانبه شدید اقتصادی را بر ایران تحمیل کرد تا ایران هم به برنامه هسته‌ای خود پایان بخشد و هم از نفوذ منطقه‌ای آن کاسته شود. این فشارها، موجب کاهش توان اقتصادی ایران، کاهش شدید صدور نفت ایران در زمینه اقتصادی شده و در زمینه نظامی با تنش‌های فراوان منطقه‌ای در سوریه، یمن، عراق و... بین آمریکا و همپیمانان منطقه‌ای آن همراه بوده که حتی به ترور غیرقانونی سردار قاسم سلیمانی توسط آمریکا در عراق انجامید، عملی که از سوی آمریکا کاملاً یکجانبه بود و حتی همپیمانان این کشور در ناتو نیز نه تنها آن را تأیید نکردند، که حتی مکانیزم ماشه برجام برای بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و نیز تحریم تسلیحاتی ایران را فعال نمودند. با این حال، در این دوره، امنیت ملی ایران، به شدت مورد تهدید واقع شده است.

یکجانبه‌گرایی آمریکا در دوران ترامپ، ضربه زیادی به ناتو وارد کرده، به طوری که قدرت‌های بزرگ اروپایی را نیز از کاهش داده است. به گونه‌ای که خروج نیروهای آمریکایی از خاورمیانه، قدرت‌های اروپایی را به چاره‌اندیشی واداشته است. در این میان ایران باید هشیار باشد، «در صورتی که اروپا درصدد جایگزینی ناتو در خاورمیانه به جای آمریکا باشد، باید تدابیر لازم از نظر دفاع نظامی و شیوه مذاکره مدنظر جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. چرا که اروپا برای استفاده از اهرم نظامی، به جای آمریکا، ناتو را در مقابل جمهوری اسلامی قرار می‌دهد... ناتو با

¹. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

². Donald Trump

بیش از ۵۰ کشور عضو، به نخستین مقابله‌کننده با جمهوری اسلامی ایران تبدیل می‌شود و از این پیمان نظامی، به عنوان اهرم مقابله استفاده خواهد شد» (Soleimani, 2020: 1).

در همین راستا، در زمینه آینده‌پژوهی و سناریوهای آینده، تأثیراتی که ناتو می‌تواند در آینده‌ای پانزده ساله بر جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، بیرون از روند کلی جهانی نخواهد بود. بر اساس پژوهش برآوردی تجزیه و تحلیل کلان‌روندهای جهانی آکسفورد، دو مسأله عمده در این چارچوب دارای اهمیت می‌باشد. یکی امکان و احتمال زیاد تغییر قدرت در نظام بین‌الملل است که طی آن «برخی کلان‌روندها احتمالاً تا سال ۲۰۳۵ برقرار خواهند بود. آمریکا بزرگ‌ترین نیروی نظامی جهان برآورد شده؛ چین به عنوان قدرت فعلی دوم و نیز قدرت‌های منطقه‌ای متورم‌تر شده، یعنی قدرت بسیار بیشتری می‌یابند و روسیه با تمرکز بر منافع نامتقارن سعی در خنثی‌سازی بحران کاهش جمعیتش خواهد داشت. همچنین ساختار نظامی اتحادیه اروپا با توانی بالاتر مهم‌ترین شگفتی‌ساز عرصه روابط بین‌الملل خواهد بود» (Oxford Analytica, 2017: 62). در این چارچوب توجه به جدول رتبه قدرت نظامی سال ۲۰۲۰ کشورها مهم است که نشان می‌دهد، آمریکا که رهبری ناتو را در دست دارد و متحدان آن در ناتو و همچنین ایران و برخی رقبای منطقه‌ای آن چه جایگاهی در میان قدرت‌های نظامی دارند.

جدول ۲- بیست ارتش قدرتمند جهان در سال ۲۰۲۰

Country	Rank	Country	Rank	Country	Rank	Country	Rank
Indonesia	16	Turkey	11	South Korea	6	USA	1
Saudi Arabia	17	Italy	12	France	7	Russia	2
Israel	18	Germany	13	Great Britain	8	China	3
Australia	19	I. R. Iran	14	Egypt	9	India	4
Spain	20	Pakistan	15	Brazil	10	Japan	5

Source: (Global Fire Power, 2020: 1)

طبق جدول بیست ارتش قدرتمند جهان در سال ۲۰۲۰، ایران جایگاه چهاردهم را به خود اختصاص داده است، در صورتی که در میان اعضای ناتو، آمریکا جایگاه نخست، فرانسه هفتم، انگلستان هشتم، ترکیه یازدهم، آلمان سیزدهم را دارند. به علاوه عربستان و اسرائیل که از متحدان غرب هستند نیز جایگاه‌های هفدهم و هجدهم را دارند، بنابراین در هر شرایطی، حتی بدون وجود آمریکا، که البته در رابطه با ایران نباید از نقش آن غافل شد و در صورت از نوع رویارویی و تهدید، آمریکا در برابر ایران خواهد، قدرت دیگر اعضای ناتو، برای ایجاد موازنه تهدید علیه ایران، همچنان از جمهوری اسلامی ایران بیشتر است، حال آنکه متحدان عرب ناتو در جنوب خلیج فارس، نیز از این موازنه علیه ایران حمایت می‌کنند. اما تنها همین بررسی کفایت نمی‌کند و مسأله سناریوهای آینده حضور ناتو در پیرامون ایران و اثرات آن بر امنیت ملی این کشور را باید

در چارچوب وضعیت نظام بین‌المللی دید.

بر این اساس، به نظر می‌رسد در یک دهه آینده یعنی در سال ۲۰۳۰، چین جایگاه نظامی روسیه را به خود اختصاص دهد و روسیه در مقام سوم قرار گیرد. داده‌های نمودار اقتصادی بالا که برآمده از برآورد تولید ناخالص داخلی به خوبی گویای وضعیت قدرت اقتصادی قدرت‌های بزرگ نیز هستند. باید در مورد شکل نظام بین‌الملل جدول قدرت‌های نظامی و نمودار برآورد را همزمان به کار گرفت، یعنی کشورهای از خاصیت تعیین‌کنندگی و تأثیرگذاری در ساختار نظام بین‌الملل آینده، همچون حالا، برخوردار هستند که هر دو رتبه نظامی و اقتصادی جایگاه مناسبی داشته باشند. بنابراین بر اساس این دو می‌توان گفت که در نظام آینده بین‌المللی، چین در رتبه نخست اقتصادی جهان و در رتبه دوم نظامی، برعکس آمریکا در رتبه دوم اقتصادی و در رتبه اول نظامی قرار خواهند داشت (Authors' Calculations, 2020).

مورد دیگری که در پژوهش برآورد کلان‌روندهای آکسفورد آمده، مورد مناطق جدید برای رقابت دولت-ملت‌ها است که طی آن «در شرایط کنونی در سیاست بین‌المللی آنچه که در پی خواهد آمد مسئله نزاع و کشمکش کشورها نیست و یا حداقل در اولویت نخواهد بود. اما با نگرش بلندمدت باید به این امکان توجه شود که بسیاری از منازعات سال ۲۰۳۵، در فهرستی بلندبالا پرفشارترین دغدغه‌های جهان آینده است. در دو دهه پیش‌رو مباحثی چون تجارت فضایی یا بازار فضا، جنگ افزارهای جدید مانند سامانه‌های بی‌نیاز از انسان، کنترل رژیم‌های مشکل‌ساز، حکمرانی اینترنت، جنگ سایبری و اقیانوس منجمد شمالی در کشمکش و افزایش سطوح منازعه مؤثر است» (Oxford Analytica, 2017: 41). بر این مبنای، وضعیت جمهوری اسلامی ایران را به توجه به تجربه چهار دهه گذشته در رابطه با غرب، ذیل مسأله کنترل رژیم‌های مشکل‌ساز و ذیل مورد جنگ سایبری قرار داد.

در رابطه با مورد نخست، آمریکا بارها ایران را به عنوان یک رژیم مشکل‌ساز مدنظر قرار داده است که نیازمند مهار است از جمله سیاست مهار دوجانبه عراق و ایران توسط پیل کلینتون، قرار دادن ایران به عنوان یکی از اعضای محور شرارت توسط جورج بوش پسر که نیازمند مهار هستند. دیگری تحریم‌های ایران توسط آمریکا و سازمان ملل در موضوع پرونده هسته‌ای در دوره باراک اوباما که به عقد برجام انجامید و نیز خروج آمریکا از برجام و ایجاد تحریم‌های یکجانبه علیه ایران در دوره دونالد ترامپ، یعنی سیاست فشار بیشینه برای مهار و تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران بوده است (Mandeebaum, 2019: 123). در این سند امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۷ نیز به مناطق مختلف جهان توجه شده است. «در سطح منطقه‌ای، به توازن قدرت منطقه‌ای در جهان، آن‌طور

¹. Problematic Regimes

². Cyber Wars

که مطلوب آمریکا باشد، توجه شده است. در این سند پیش‌بینی شده است تا از متحدان و شرکای منطقه‌ای آمریکا در مناطق مختلف حمایت‌های لازم به وجود آید تا توازن قدرت منطقه‌ای مطلوب آمریکا شکل گرفته و حفظ شود. در منطقه خاورمیانه به نقش ایران اشاره شده است که نشان می‌دهد آمریکا ایران را یک قدرت منطقه‌ای می‌داند. مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های اعلام‌شده برای مناطق مختلف جهان، در جهت حفاظت و حراست از شأن هژمونی و سلطه طلبانه آمریکا قرار دارد» (Strategic Report, 2017: 12). بر این مبنا، در منطقه خاورمیانه، آمریکا دشمن اولی را که امنیت ملی و منافع ملی این کشور را تهدید می‌کند، ایران دانسته و بنابراین در اندیشه مهار آن با ابزارهای مختلف است که تحریم مهم‌ترین آنهاست. در این سند بر حفظ توازن منطقه‌ای آمریکا در منطق مختلف جهان، از جمله خاورمیانه نیز تأکید شده است.

در یک نمونه در متن این سند آمده است: «ایالات متحده در حال استقرار سامانه دفاع موشکی لایه‌ای متمرکز بر کره شمالی و ایران برای دفاع از میهن در برابر حملات موشکی است. این سیستم شامل توانایی شکست تهدیدهای موشکی قبل از پرتاب خواهد بود. دفاع موشکی پیشرفته به منظور تضعیف ثبات استراتژیک یا بر هم زدن روابط استراتژیک طولانی مدت با روسیه یا چین نیست» (National Security Strategy of the United States of America, 2017: 8).

همکاری ناتو با کشورهای شمال ایران که در خارج نزدیک روسیه قرار دارند، هم خطری برای امنیت ملی روسیه و هم برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است که هر دو به موشک‌های بالستیک دسترسی دارند و روسیه خود یک قدرت بزرگ هسته‌ای به شمار می‌رود. ایران نیز با توسعه فناوری موشکی خود در چارچوب سیاست دفاعی خویش، به این نوعی از موشک‌های بالستیک میان‌برد دسترسی پیدا کرده است که می‌تواند تا اروپا نیز برسد. به علاوه این کشور، دارای یک برنامه هسته‌ای است که پس از خروج ترامپ از برجام، روند رشد آن سرعت گرفته و غرب، به‌ویژه ناتو آن را برای خود یک تهدید به‌شمار آورده و در پی محدود کردن آن است. به همین جهت نیز ایران با تحریم‌های اقتصادی شدید و یکجانبه آمریکا روبه‌رو شده است، اگرچه اروپا که اعضای اصلی دیگر ناتو در آن هستند، با خروج آمریکا از برجام مخالف بوده و هست، اما توان شکستن تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران را ندارد و چشم به آینده‌ای دوخته که شاید ترامپ در آمریکا بر سرکار باقی نماند و دولت بعدی آمریکا، که ممکن است توسط رقیب انتخاباتی وی، جو بایدن دموکرات تشکیل شود، دوباره به برجام بازگردد.

وجود این توان در روسیه و پس از آن ایران که منافع غرب را تهدید می‌کند، موجب شده تا ناتو از سال ۲۰۱۰، در چارچوب راهبرد نوین خود، دست به استقرار موشک‌های بالستیک در

¹. Missiles Defence System

شرق اروپا بزند. «در سال ۲۰۱۰، اعضای ناتو تصمیم گرفتند برای دستیابی به وظیفه اصلی دفاع جمعی خود، توانایی دفاع موشکی بالستیک خود را گسترش دهند. ناتو تأکید می‌کند که این استقرار، یک سرمایه‌گذاری دفاعی بلندمدت برای رفع تهدید امنیتی طولانی مدت در خارج از منطقه یورو-آتلانتیک^۱ است. در ژوئیه ۲۰۱۶، ناتو اعلام کرد که توانایی بیشتر در دفاع موشکی بالستیک در سراسر جنوب اروپا در برابر حمله بالقوه موشک‌های بالستیک را نیز دارد که توانی زمینی و دریایی برشمرده شده است» (NATO Official Site, 2019B: 1). این موشک‌ها به روشنی می‌توانند برای موازنه تهدید علیه ایران، در کنار روسیه به شمار آیند.

اما یک مورد مهم دیگر، در زمینه رویارویی سایبری و در رابطه با ایران، آن است که «آمریکا به کمک اسرائیل و یروس استاکس‌نت را برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران پدید آورده و وارد تجهیزات رایانه‌ای کنترل ساتورفیوژها کردند تا روند پیشرفت غنی‌سازی ایران را کند کرده و یا متوقف سازند که تا حدودی در آن به موفقیت نیز رسیدند» (Langer, 2011: 49). ایران نیز در برابر به توسعه ارتش سایبری خود برای مقابله پرداخته است. بنابراین با توجه به این سابقه، و اقدام ایران در زمینه ایجاد نیروی برای مقابله و احتمالاً حمله، که مواردی از آن در رسانه‌های آمریکایی، در یک جنگ روانی از سوی کمپین انتخاباتی ترامپ در ۲۰۲۰ اعلام شده است، به نظر می‌رسد این امکان وجود دارد که طبق برآورد آکسفورد، ایران و غرب در یک جنگ سایبری قرار بگیرد و ناتو نیز به عنوان یک تهدید با آن روبه‌رو شود. البته قابل ذکر است که آمریکا استاکس‌نت را خارج از چارچوب ناتو به کار گرفت و این مثال، تنها به عنوان یک نمونه بیان شد. البته نباید فراموش کرد که این کشور رهبری ناتو را همچنان برعهده دارد و می‌تواند از امکانات شبکه‌ای این سازمان نیز در یک حمله سایبری بهره برد. همچنین به گفته دبیرکل ناتو، جنس استولتنبرگ، «وزرای ناتو همچنین در ۲۰۱۸ موافقت کردند که مرکز عملیات سایبری جدیدی را برای کمک به مقابله با حملات هکرهای نظامی ایجاد کنند» (Stoltenberg, 2018: 1) که این امر می‌تواند در برابر هکرهای روسی، چینی و ایرانی مصداق داشته باشد.

توجه به این امر در راستا سناریوهای آینده مورد بحث نیز دارای اهمیت است که به نظر می‌رسد در صورت پیروزی ترامپ در دور دوم انتخابات، از میزان یکجانبه‌گرایی آمریکا کاسته شود. در واقع، اگرچه دونالد ترامپ به میزان زیادی، یکجانبه‌گرایی در زمینه اقدامات آمریکا، پیشه خود ساخته است و با شعار «آمریکا را دوباره برترین خواهید کرد» (Melton, 2017: 1) را بر رهبری جهانی آمریکا، آن هم به صورت یکجانبه تأکید می‌کند، اما در آخرین سند راهبرد امنیت ملی

¹. BALESTIC MISSILES DEFENCE

². EUROPE AND ATLANTIC

آمریکا که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است، بر ایجاد ائتلاف جهانی توسط آمریکا تأکید شده است. «در این سند، در کنار رقابتی دیدن جهان، به متحدان و شرکای آمریکا بهای زیادی داده شده و بر ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا تأکید و تمرکز شده است. به‌نوعی دولت آمریکا در این سند پیش‌بینی کرده است تا از طریق شکل‌دهی به یک ائتلاف قدرتمند متشکل از متحدان و شرکای آمریکا، نقش رهبری ایالات متحده را در جهان احیا کرده، تقویت کند و استمرار ببخشد» (Strategic Report, 2017: 10). در واقع بر این اساس، ایالات متحده باید در جهانی که با رقابت همراه است و رقبای اصلی آمریکا که قدرت‌های بزرگی همچون چین و روسیه هستند در حال افزایش قدرت خود می‌باشند، این کشور بتواند، جایگاه اول خود را با مجموعه ابزارهایی که در اختیار دارد، همچنان حفظ کند و در این راه تشکیل ائتلاف نیز دارای اهمیت است. بر اساس همین سند، به نظر می‌رسد نگاه رئیس‌جمهور ترامپ به ناتو نیز تغییر کرده است و وی، در قبال ناتو از شعار «ناتو برای آمریکا»^۱ دست برداشته است و آن را به در ۲۰۲۰ به شعار «ناتو به علاوه آمریکا»^۲ تبدیل کرده بود، به طوری که طی این شعار اعلام کرده می‌خواهد برخی از کشورهای خاورمیانه را نیز به عضویت ناتو در آورد، که به طور واضحی با یکجانبه‌گرایی آن در تضاد است، اما امکان دارد، رقیب دموکرات وی، جو بایدن، در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰، برای ترمیم چهره آمریکا، در رویکرد اعلامی چندجانبه‌گرایانه خود، به این امر دست زند. این وضعیت می‌تواند برای ایران، تهدید آفرین باشد و در راستای فشارها بر ایران، ترامپ ناتو را نیز برای ایجاد موازنه تهدید علیه ایران، فعال نماید.

با این حال باید توجه کرد که نشانه‌های برد بایدن از حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده، در بسیاری از نظرسنجی‌ها در این کشور، مشخص شده است. در صورتی که وی پیروز انتخابات آمریکا شود، ایالات متحده بار دیگر چندجانبه‌گرایی را پیشه خواهد کرد و اروپا نقش فعال‌تری در رابطه با ایران خواهد یافت. به نظر می‌رسد در این راستا، ناتو نیز نقش فعالی را پیدا کند. به‌ویژه اینکه به نظر نمی‌رسد، بایدن بدون قید و شرط به برجام بازگردد و در این راستا ممکن است از حضور ناتو در مناطق پیرامونی ایران به عنوان اهرم فشار علیه این کشور و موازنه تهدید بهره بیشتری نسبت به ترامپ یکجانبه‌گرا برد. بنابراین، بسیار مهم است که ایران در این شرایط چه رفتاری در سیاست خارجی برای احیای برجام از خود نشان خواهد داد. بر این اساس، نه تنها حضور ناتو در مناطق پیرامونی ایران دارای اهمیت است، بلکه رفتار این کشور نیز در سیاست خارجی خویش نسبت به بازگشت به برجام دارای اهمیت بوده و

^۱. NATO Me

^۲. NATO Plus Me

می‌تواند برای امنیت ملی کشور، تهدیدزا و یا تنش‌زدا باشد. در هر صورت به نظر می‌رسد، بایدن نسبت به ترامپ یکجانبه‌گرایی را به نفع چندجانبه‌گرایی رها کند، اما در آن صورت رفتار خصمانه ایران در سناریو پرخطر می‌تواند حتی به احیای تحریم‌های بین‌المللی بیانجامد و یا اینکه رفتار همکاری‌جویانه ایران در سناریوی کم‌خطر به استفاده از همه امتیازهای برجام ختم شود.

نتیجه‌گیری

ناتو یک سازمان پیمان امنیت‌دسته جمعی است که تحت رهبری ایالات متحده شکل گرفته است. این پیمان دفاعی، پس از فروپاشی شوروی، دچار چالش فلسفه وجود شد و بر این مبنا مأموریت‌های دیگری فراتر از آنچه در دوره جنگ سرد برای امنیت بلوک غرب داشت، در سطح جهانی برای خود تعریف کرد، از جمله مقابله با تروریسم، کمک به حفظ صلح جهانی و... همچنین در راستای این سطح کاری فراگیر، گسترش خود به شرق را در دستور کار قرار داد. ناتو در مناطق حضور خود، کمتر درگیر جنگ شده است و بیشتر تلاش کرده تا با ایجاد موازنه تهدید، اهداف خود و به ویژه آمریکا را برآورده سازد. رهبری آمریکا بر ناتو موجب شده است تا این سازمان، بیش از دیگر کشورهای غربی، منافع و امنیت ایالات متحده را برآورده سازد، اگرچه در دوران دونالد ترامپ، یکجانبه‌گرایی آمریکا، موجب شده تا ناتو شاهد افول همکاری دو سوی آتلانتیک باشد، با این حال نشانه‌های تازه‌ای از گرایش دوباره آمریکا به همکاری در ناتو به چشم می‌خورد، به‌ویژه اینکه، ترامپ به‌تازگی، پیشنهاد عضو شدن چند کشور از خاورمیانه در پیرامون ایران در ناتو را داده است.

ایالات متحده، پس از رویداد انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹، با جمهوری اسلامی ایران دشمن بوده است و بر این مبنا در طول چهار دهه گذشته، سیاست‌های مختلفی از جمله ترغیب عراق به جنگ، حمایت از اسرائیل، تجهیز کشورهای عربی، تحریم‌های یکجانبه و بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای و موارد دیگری از جمله اتهام حمایت از تروریسم، کارشکنی در صلح خاورمیانه، نقض حقوق بشر و... را در مقابله با ایران به انجام رسانده است. در برابر جمهوری اسلامی ایران نیز که امنیت و منافع ملی خود را در خطر دیده، در یک سیاست تجدیدنظرطلبانه و در راستای ایجاد موازنه تهدید، دست به افزایش نفوذ خود در منطقه پرداخته و محور مقاومت را برای مقابله با آمریکا و اسرائیل پدید آورده و به روسیه و چین نزدیک شده است.

یکی دیگر از اقدامات آمریکا در برابر ایران، استقرار پایگاه‌های نظامی در پیرامون ایران بوده است که هم خود به تنهایی و هم در چارچوب ناتو به انجام رسیده است. به طوری که دیده می‌شود در کشورهای شمال ایران در چارچوب گسترش ناتو به شرق، در غرب ایران با حضور ترکیه در ناتو و حمله به عراق، در شرق ایران با حمله به افغانستان و در جنوب ایران با همکاری کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، توانسته، تهدید نظامی بالقوه‌ای را علیه جمهوری

اسلامی به وجود آورد که ناتو در آن نقش اساسی دارد. در سناریوهای آینده، به نظر می‌رسد اگر در آمریکا ترامپ در دور دوم باز هم در سمت ریاست جمهوری قرار گیرد، تا حدودی به به کارگیری قدرت ناتو در چارچوب توافقاتی دوباره با قدرت‌های اروپایی گرایش یابد، که نشانه‌هایی از آن مورد اشاره قرار گرفت. به‌ویژه اینکه ایران تلاش داشت تا از شکاف میان آمریکا و اروپا در دوران ترامپ در موضوع برجام به نفع خود استفاده کند. اما اگر در ایالات متحده جو بایدن به قدرت برسد، به نظر می‌رسد با توجه به وعده‌های انتخاباتی خود، در یک سیاست چندجانبه‌گرا، همکاری‌های پیشین میان آمریکا و متحدان اروپایی و... آن در ناتو، شکل بگیرد و توان ایجاد موازنه تهدید توسط ناتو مورد توجه جدی به ویژه در مورد بازگشت به برجام صورت گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد، با توجه به تعمیق حضور ناتو در محیط پیرامونی ایران، سناریوهای قابل پیش‌بینی رفتار ناتو در برابر کشور، طیفی از سناریوهای پرخطر، کم‌خطر و همکاری‌جویانه می‌باشد و میزان تهدیدها و فرصت‌های این سناریوها برای امنیت ملی ایران، وابسته به راهبردهایی است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر آن اتخاذ می‌کند، یعنی اینکه رفتاری تهدیدآمیز از خود نشان دهد و یا رفتاری تنش‌زدا، به علاوه اینکه ایران تا چه حد توانایی دارد تا انواع قدرت‌های خود را تقویت کند تا موازنه تهدید برقرار بماند، در رفتار ناتو با ایران اثر خواهد داشت. در این میان، آنچه در این رفتار دارای اهمیت است، سیاستی است که ایران در مورد برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و نفوذ محور مقاومت در منطقه در پیش خواهد گرفت، اینکه با استفاده از چنین موازنه‌ای، به مذاکره با آمریکا بپردازد، موجب کاهش تهدید ناتو خواهد شد و در برابر اگر با استفاده از این موازنه تهدید در جهت مخالف مذاکره حرکت کند، موجب افزایش تهدید ناتو و تعمیق حضور آن در محیط پیرامون خود خواهد شد.

References

- Ahmadi, S., Gholami, M. (2017). Political Islam; A Geopolitical Challenge in Iran and the North Atlantic Treaty Organization's Relations. *Islamic Revolution Research*, 6(21), 7-39. (In Persian)
- Almasi, M., Ezzati, E. (2010). The Expansion of NATO Toward East and Iran's National Interests. *Territory*, 6(24), 1-9. (In Persian)
- Amir Ahmadian, B., Rezazadeh, H., Jorfi, A. (2016). Analysis of Relations between Iran and Armenia in the Framework of Defensive Realism. *Central Eurasia Studies (CES)*, 9(1), 19-41. doi: 10.22059/jcep.2016.58572
- Aras, B., Akpinar, P. (2017). Turkish Foreign Policy and The Qatar Crisis. *Istanbul Policy Center at Istanbul University (IPM/IPC)*, 15 Auguste, 1-8, at:

- https://www.researchgate.net/profile/Pinar_Akpinar2/publication/319059837_Turkish_Foreign_Policy_and_the_Qatar_Crisis/links/598d9aab0f7e9b07d22bc3f6/Turkish-Foreign-Policy-and-the-Qatar-Crisis.pdf
5. Associated Press (2019). A look at foreign military bases across the Persian Gulf. September 4, at: <https://apnews.com/e676e805b77347108068afc160313e2d>
 6. Behnke, A. (2013). *NATO's Security Discourse After the Cold War: Representing the West*, London. Routledge.
 7. Bellamy, A.J. (2004), *Security Communities and Their Neighbors: Regional Fortresses or Global Integration*, London, Palgrave Macmillan. doi: <https://doi.org/10.1057/9780230005600>
 8. Bozorgmehri, M., Abbaspour Baghabory, A. (2014). EU-NATO Relations: Challenges and Opportunities. *Political Quarterly*, 44(3), 643-662. doi: 10.22059/jpq.2014.53369 **(In Persian)**
 9. Erik Adkhanian, A., Khosravi, M. (2018). Food Security through the Lens of Transitional Justice. *International Studies Journal (ISJ)*, 15(2), 139-155. **(In Persian)**
 10. *Global Fire Power* (2020). 2020 Military Strength Ranking. January 11, at: <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.asp>
 11. Haghpanah, J., Ahmadi, B. (2010). The New Strategic Concept and Iran-NATO Issues, in: Jafari A., *Conference on NATO Trans-Regional Approaches: Challenges*, Tehran: Office of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs.
 12. Keohane. R.O. (1986). Theory of World Politics: Structural Realism and Beyond, in: Keohane R.O. (ed.). *Neorealism and Its Critics*, New York, Columbia University Press.
 13. Langner R. (2011). Stuxnet: Dissecting a Cyberwarfare Weapon. *IEEE Security and Privacy*, 9(3), 49-51, doi: 10.1109/MSP.2011.67
 14. Lemmy, S. L. (2004). Contemporary and New Approaches: Neorealism and Neoliberalism, in: Billis, J., Smith, S., *The Globalization of Politics: International Relations in the Modern Age; Historical Context, Theories, Structures and Processes*, Translated by Rahochamani. A., Tehran: Abrar International Institute for Contemporary Studies and Research, Tehran. **(In Persian)**
 15. Lobell, S. E. (2017). Structural Realism/Offensive and Defensive Realism. *Oxford Research Encyclopedia of International Studies*, Dec. 22, Retrieved 8 Nov. 2020, from <https://oxfordre.com/internationalstudies/view/10.1093/acrefore/9780190846626.001.0001/acrefore-9780190846626-e-304>.

16. Lopez-Jacoiste, E. (2010). The UN Collective Security System and its Relationship with Economic Sanctions and Human Rights. *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, 14(1), 273-335.
17. Mandelbaum, M. (2019). The New Containment: Hanging Russia, China, and Iran. *Foreign Affairs*, (98)2, 123.
18. Melton, M. (2017). Is Make America Great Again' Racist?. *Voice of America*, August 31, at: <https://www.voanews.com/usa/make-america-great-again-racist>
19. *Merriam-Webster* (2019). Security. 25 March. at: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/security>
20. Mirkoshesh, A., Khademi, M. Ashrafi, A. (2019). Continuing US-led NATO Influence in Afghanistan and its Impact on Iran's National Security. *Political Science Quarterly*, 15(47), 71-95. **(In Persian)**
21. Monavari, S., Mohammad Sharifi, M. (2017). Defensive Realism and the Logic of NATO's Existence after September 11. *International Quarterly of Geopolitics (IGQ)*, 13(47), 176-202.
22. Moradi, M. (2002). NATO Expansion to the East and its Security Consequences. *Strategic Report for the Office of Political and International Studies*, February 1. 6612(1-22). at: <https://www.rc.majlis.ir/en/report/download/732720> **(In Persian)**
23. *National Security Strategy of the United States of America* (2017). December 18, 1-86, at: <http://nssarchive.us/national-security-strategy-2017/>
24. *NATO Official Site* (2015). ISAF's mission in Afghanistan (2001-2014). 1 September at: https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_69366.htm
25. *NATO Official Site* (2019A). Collective defence - Article 5", 25 November, at: https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_110496.htm
26. *NATO Official Site* (2019B). Ballistic Missile Defence, October 9, at: https://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_49635.htm
27. *NATO Official Site* (2020A). NATO Mission Iraq. April 14, at: https://www.nato.int/cps/en/natohq/topics_166936.htm?
28. *NATO Official Site* (2020B). Partners. March 27, at: <https://www.nato.int/cps/en/natohq/51288.htm>
29. *NATO Official Site* (2020C). NATO on the Map. March 20, at: <https://www.nato.int/nato-on-the-map/#lat=35.9817677175843&lon=31.649323299999995&zoom=0&layer-1&layer-2>

30. Oxford Analytica (2017). Global Trends to 2035: Geo-Politics and International Power. *European Parliamentary Research Service: Global Trends Unit*, September, PE 603.263, 1-116, at: <http://www.oxan.com/insights/client-thought-leadership/global-trends-to-2035/>
31. *Romania's Permanent Delegation to NATO* (2020). NATO Mission in Iraq. August 17, at: <https://nato.mae.ro/en/node/1101>
32. Shea, J. (2016). How did NATO Survive the Cold War? NATO's Transformation after the Cold War from 1989 to the Present. *NATO Official Site*, 6 December. at: https://www.nato.int/cps/en/natohq/opinions_20526.htm?selectedLocale=en
33. Soheili Najafabadi, S., Kishishian Siraki, G., Ghaedi, M., Simbar, R. (2019). The Survey of Military Policies Effects on Persian Gulf Regional Security. *International Studies Journal (ISJ)*, 16(1), 155-182. **(In Persian)**
34. Soleimani, A. (2020). Danger of NATO confrontation with Iran?!. *Iran Diplomacy*, January 25. code 1988857. at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1988857/> **(In Persian)**
35. Soltani, F., Mottaghi, A., Mohamadjani, M. (2020), A Study of France's Political-Military Strategy in the Indian Ocean. *International Studies Journal (ISJ)*, 16(4), 87-110. **(In Persian)**
36. Sorenson, G., Jackson, R. (2012). *An Introduction to International Relations*, Translated by M. Zakerian, A. Taghizadeh and H. Saeed Kolahy, Tehran: Mizan Publishing, 4th Edition. **(In Persian)**
37. Stoltenberg, J. (2018). NATO will build up its presence in Iraq. *Mighty Trending*, March 31, at: <https://www.wearethemighty.com/mighty-trending/nato-will-build-up-its-presence-in-iraq/>
38. Strategic Report (2017). Review of the National Security Strategy of the United States of America. *Collection of Strategic Reports of the Explanatory Strategic Think Tank*, Tehran: Tabien Strategic Think Tank. **(In Persian)**
39. *United Nations Security Council* (2003). Resolution 1510. 13 October. pp.1-2, at: https://www.nato.int/isaf/topics/mandate/unscr/resolution_1510.pdf
40. Walt, S. M. (1985). Alliance Formation and the Balance of World Power. *International Security (IS)*, 9(4), 3-16.
41. Zaki, Y., Gholami, M. (2018). NATO's Geopolitical Territory Extension in the Geopolitical Territories to the West of the Islamic Republic of Iran. *Defence Policy*, 26(101), 9-43. **(In Persian)**